

## **A Study of the View of the Author of "Tabserah al-Ekhwān", on the Greatness of the Quran**

Zahra Khosrojerdi\*

Habibollah Azimi\*\*, Alireza Bagher\*\*\*

(Received on: 2020-10-05; Accepted on: 2021-01-02)

### **Abstract**

The narration of *Saghalayn* (two weighty things) expresses the Shiite belief in the integrity of the Quran and the infallibility of the Imams (AS). This narration recommends following the Quran and the household of the Prophet (S). In this regard, there are issues that have been discussed by scholars, such as the superiority of the Quran or the Prophet's (S) family. Mollah Ismail Khajui, one of the great scholars of the twelfth century in the Safavid period, was a contemporary of scholars including Molla Sadra, Sheikh Bahai, and Majlesi. In response to the doubts about the proof of the superiority of the Quran over the Prophet's (S) family, he wrote the book "*Tabserah al-Ekhwān fi Bayan Akbariyyah al-Quran*" in accordance with the narrations of the greatness and superiority of the Quran. In this book, based on the chain of narrators, he evaluates the various quotations of the narration of *Saghalayn* that contained the words *akbar* (bigger), *aghdam* (older), *atwal* (longer), *azam* (greater), and *afzal* (better), and proves that these quotations have been narrated with authentic chains of narrators in Shiite works. Using narration rules such as *Aam* and *Khas* (general and specific), *Motlagh* and *Moghayyad* (absolute and limited), *Nasekh* and *Mansukh* (abrogating and abrogated), and literary and syntactic rules, he also considers the Quran to be greater and superior to the household of the Prophet (S). Relying on the Quran and the Prophet's (S) family as a plan of life is one of the necessary conditions to reach the divine straight path, which we must follow if we want to walk in the path of humanity.

**Keywords:** Quran, Prophet's Family, Greatness, Superiority.

---

\* PhD Student, Department of Quran and Hadith Sciences and Department of Arabic Language and Literature, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, zk13544118@yahoo.com.

\*\* Assistant Professor, National Library, Tehran, Iran (Corresponding Author), habibazimi@yahoo.com.

\*\*\* Assistant Professor, Department of Quran and Hadith Sciences and Department of Arabic Language and Literature, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, baqeralireza45@gmail.com.

## بررسی دیدگاه مؤلف تبصرة الإخوان در بیان اکبریت قرآن

زهرا خسروجردی\*

حبیب‌الله عظیمی\*\*، علی‌رضا باقر\*\*\*

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۱۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۱۳]

### چکیده

حدیث ثقلین بیانگر اعتقاد شیعه به تحریف‌ناپذیری قرآن و عصمت ائمه (ع) است. این حدیث به پیروی از قرآن و عترت توصیه می‌کند. در این زمینه مباحثات و شبهاتی بین علما مطرح بوده است، منازعاتی مثل بحث برتری قرآن یا عترت. ملا اسماعیل خواجویی، یکی از دانشمندان بزرگ قرن دوازدهم در دوره صفویه، معاصر علمایی همچون صدرای شیرازی، شیخ بهایی و مجلسی بود. او در پاسخ به شبهات وارد شده درباره اثبات برتری قرآن بر عترت با توجه به احادیث اکبریت و افضلیت قرآن، کتاب تبصرة الإخوان فی بیان اکبریه القرآن را نوشت. او در این کتاب احادیث ثقلین را که در آن الفاظ «اکبر»، «اقدام»، «اطول»، «اعظم» و «افضل» وجود دارد، بر اساس سندها و روایات بررسی، و اثبات می‌کند که این احادیث با سند معتبر در کتب شیعه وجود دارد و همچنین با قواعد حدیثی (مثل عام و خاص، مطلق و مقید، ناسخ و منسوخ و قواعد ادبی و نحوی) قرآن را در این بحث اکبر و افضل بر عترت می‌داند. تمسک به قرآن و عترت به عنوان برنامه زندگی از شروط لازم برای رسیدن به صراط مستقیم الهی است که اگر بخواهیم در مسیر انسانیت قدم برداریم باید از آنها پیروی کنیم.

**کلیدواژه‌ها:** قرآن، عترت، اکبریت، افضلیت.

---

\* دانشجوی دکتری گروه علوم قرآن و حدیث و زبان و ادبیات عرب، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی،

تهران، ایران zk13544118@yahoo.com

\*\* استادیار پژوهشی، کتابخانه ملی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) habibazimi@yahoo.com

\*\*\* استادیار گروه علوم قرآن و حدیث و زبان و ادبیات عرب، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی،

تهران، ایران baqeralireza45@gmail.com

## مقدمه

حدیث ثقلین از احادیث معتبری است که محل اتفاق راویان و محدثان جهان اسلام بوده و همیشه بین علما و دانشمندان اسلام تفسیرهای مختلفی درباره اش وجود داشته است:

قال رسول الله (ص): إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ أُمْرَيْنِ إِنْ أَخَذْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا - كِتَابَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ أَهْلَ بَيْتِي عِترَتِي أَيُّهَا النَّاسُ اسْمَعُوا وَقَدْ بَلَّغْتُ إِيَّاكُمْ سِتْرِدُونَ عَلَيَّ الْحَوْضَ فَأَسْأَلُكُمْ عَمَّا فَعَلْتُمْ فِي الثَّقَلَيْنِ وَالثَّقَلَانِ كِتَابُ اللَّهِ جَلَّ ذِكْرُهُ وَ أَهْلُ بَيْتِي (كلینی، ۱۴۰۷: ۲۹۴/۱)؛ من در میان شما دو چیز باقی می‌گذارم که اگر آنها را دستاویز قرار دهید، هرگز گمراه نخواهید شد: کتاب خدا و عترتم که اهل بیتم هستند. ای مردم بشنوید! من به شما رساندم که شما در کنار حوض بر من وارد می‌شوید، پس من از شما درباره رفتارتان با این دو یادگار ارزشمند، یعنی کتاب خدا و اهل بیتم، سؤال خواهم کرد.

اختلاف دیدگاه درباره این حدیث به تألیف کتب بسیار در این زمینه منجر شده است. ملا اسماعیل خواجه‌یوبی عالمی خردمند، حکیمی فقیه، محدثی بزرگ، مرجعی والامقام و محبوب نزد مردم اصفهان در قرن دوازدهم، و معاصر علمایی همچون صدرای شیرازی، شیخ بهایی و مجلسی بود. گروهی به دلیل تألیفات بسیار وی در مسائل گوناگون، شخصیتش را دائرةالمعارف‌گونه و جامع‌الاطراف نامیده‌اند. فضای سیاسی و اجتماعی عصر صفویان باعث ایجاد نشست‌های علمی در مسائل دینی در اقصا نقاط ایران، به‌خصوص اصفهان، بود. او همراه جمعی در یکی از محافل علمی شرکت داشت، که در آن جلسه شبه‌ای درباره حدیث ثقلین مطرح شد؛ یکی از آنها گفت احادیثی که در آن، قرآن به عنوان یکی از ثقلین با الفاظ «اکبر»، «افضل»، «اقدام»، «اطول» و «حبل ممدود» روایت شده است، در منابع شیعیان با سند صحیح و معتبر نیست و این روایات را از منابع روایی اهل سنت نقل می‌کنند و اگر شیعیان این روایت را با سند معتبر در کتاب‌هایشان داشتند به منابع اهل سنت استناد نمی‌کردند. دیگران نیز در حمایت از او احادیث و مطالب مختلفی را بیان کردند. خواجه‌یوبی نیز در جواب گفت

اگر علمای شیعه در مقام استدلال و بحث و گفت‌وگو به کتب اهل سنت استناد می‌کنند، از باب چیره‌شدن بر دلایل آنها است، نه اینکه روایت فوق در منابع اصلی ما نباشد. از نظر خواجویی، دلیل مطرح‌شدن این مسئله تضاد احادیث اکبریت و افضلیت با دیدگاه آنها است که اهل بیت (ع) را برتر از قرآن می‌دانند و دلایلشان را با تأویل آیات و احادیث بیان می‌کنند که به نظر خواجویی محققانه نیست.

اسماعیل خواجویی پس از آن جلسه برای اینکه بتواند پاسخی علمی و محققانه به آنها بدهد، تحقیق و پژوهشی جامع انجام داد. او با مطالعه کتاب‌های اصلی و معتبر شیعه توانست دلایل محکمی را پیدا کند و کتابی به نام تبصرة الإخوان فی بیان اکبریه القرآن بنویسد. این کتاب از نسخه‌های خطی، جزء میراث ارزشمند و به‌جامانده از قرن‌های پیش، از این عالم ارزشمند است که هنوز در دسترس عموم قرار نگرفته است. در این نسخه خواجویی با استدلال‌های فلسفی، اصولی حدیثی و قرآنی جایگاه اکبریت و افضلیت قرآن را با آوردن دلایلی تبیین و اثبات کرده است. در ابتدا احادیث اکبریت و افضلیت قرآن را، که تواتر معنوی و لفظی دارد، به تفکیک آورده و همچنین با تأویل و جمع بین روایات، اکبریت و افضلیت قرآن را ثابت کرده، و به شبهات واردشده در این زمینه پاسخ داده است. گروهی از علمای دیگر نقدهایی به این نسخه وارد کرده‌اند؛ کتاب روح الاسلام والایمان نوشته یحیی بیدآبادی و کتاب ولایت کلیه نوشته سید محمدحسن میرجهانی از جمله همین نقدها است. به نظر آنها، خواجویی برداشت نادرستی از ثقل اکبر دارد، و ثقل اکبر را ثقل افضل معنا کرده است. به همین دلیل معانی متفاوتی از «اکبریت» آورده‌اند و دلایلی را مطرح کرده‌اند. در این مقاله دیدگاه خواجویی را بررسی می‌کنیم.

### اکبریت و افضلیت قرآن بر اساس نص روایات

خواجویی احادیث منقول از پیامبر (ص) را که از راویان و نویسندگان متعدد روایت شده، در کتابش به تفکیک آورده است. در این احادیث عباراتی وجود دارد که خواجویی به آنها استناد کرده است. مهم‌ترین این احادیث که دال بر اکبریت و افضلیت قرآن است، از این قرار است:

۱. روایتی صریح درباره اینکه قرآن «اول الثقلین» است: «قال رسول الله (ص): أنا تاركٌ فيكم الثقلين: أولهما كتابُ الله فيه الهدى والنور فخذوا بكتاب الله العزيز واستمسكوا به» (نیشابوری، ۱۴۱۹: ۱۴۹۲/۴؛ ابن حنبل، ۱۴۲۰: ۱۱/۳۲؛ شوشتری، ۱۴۰۹: ۶۳۲/۲۴).

۲. روایتی که گویای ثقل اکبر بودن قرآن است: «كتابُ الله؛ الثقلُ الأكبرُ طرفُ بيد الله و طرفُ بأيديكم، فتمسكوا به لن تضلوا و لن تزلوا، والثقلُ الأصغرُ عترتي أهلُ بيتي» (قمی، ۱۳۶۳: ۳/۱؛ صفار، ۱۴۰۴: ۴۱۴؛ صدوق، ۱۳۹۵: ۱/۲۳۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۳۰/۲۳).

۳. روایاتی که می گویند قرآن اقدم بر عترت است: «أحدُهُما أقدمُ من الآخر، فتمسكوا بهما لن تضلوا و لا تزلوا و لا تتقدموهم و لا تتخلفوا عنهم و لا تعلموهم فإنهم أعلمُ منكم» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۲۲/۳۱). «كتابُ الله، و عترتي أهلُ بيتي، و إنَّ اللطيفَ الخبيرَ عهدَ إلى أنَّهما لن يفترقا حتى يردا على الحوضِ كهاتينِ — أشارَ بالسَّبَّابَتينِ — و لأنَّ إحداهما قدامَ الأخرى، فتمسكوا بهما» (هلالی، ۱۴۰۷: ۵۹، ۸۴).

۴. روایتی که می گوید قرآن اکبر از عترت است: «أحدُهُما أكبرُ من الآخرِ و هو كتابُ الله، طرفُ بيد الله و طرفُ بأيديكم فتمسكوا به، والأصغرُ منهما عترتي أهلُ بيتي» (ابن بطریق، ۱۴۰۷: ۱۰۴؛ قمی، ۱۳۶۳: ۴۴۷/۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۱۴/۳۷).

۵. روایتی که تصریح دارد، قرآن «حبل ممدود» است: «كتابُ الله حبلٌ ممدودٌ من السماءِ إلى الأرضِ و عترتي أهلُ بيتي، فانظروا كيف تخلفوني فيهما» (صدوق، ۱۳۷۸: ۳۰/۲؛ ابن بطریق، ۱۴۰۷: ۱۰۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۳/۸۹).

۶. روایتی که می گوید قرآن افضل بر عترت است: «أحدُهُما أفضلُ من الآخرِ؛ كتابُ الله و عترتي أهلُ بيتي و إنَّهما لن يفترقا حتى يردا على الحوضِ» (صدوق، ۱۴۱۶: ۲۳۶؛ ابن بطریق، ۱۴۰۷: ۱۰۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۳۲/۲۳).

۶. روایتی که در آن قرآن اطول بر عترت است: «أحدُهُما أطولُ من الآخرِ؛ كتابُ الله حبلٌ ممدودٌ من السماءِ إلى الأرضِ طرفُ بيد الله و طرفُ بيد عترتي» (صدوق، ۱۴۱۶: ۲۳۶).

۷. روایتی که تصریح دارد قرآن اعظم از عترت است: «أحدُهُما أعظمُ من الآخرِ؛ و هو كتابُ الله حبلٌ ممدودٌ من السماءِ إلى الأرضِ و عترتي أهلُ بيتي» (صدوق، ۱۳۹۵: ۲۳۸/۱؛ ترمذی، ۱۴۲۱: ۳۲۹/۵).

خواجویی با استناد به احادیث مذکور، قرآن را اکبر و افضل از عترت دانسته است.

## اکبریت قرآن بر اساس سند و اتصال روایت

۱. گروهی از عالمان، سند و اتصال احادیث اکبریت و افضلیت قرآن را معتبر نمی‌دانند و بر آن اشکالاتی وارد کرده‌اند که در ادامه آنها را می‌آوریم.

الف. احادیث اکبریت قرآن متواتر نیستند.

ب. خواص از محدثان این احادیث را بیان نکرده‌اند (خواجویی، بی‌تا: ۵).

خواجویی در پاسخ به اشکال وارد شده می‌گوید:

ادعای این گروه نشان از بی‌اطلاعی و تحقیق‌نکردن آنها است. چگونه می‌توان این احادیث را انکار کرد، کنار نهاد و به فراموشی سپرد، در صورتی که از طریق محدثان و فقیهان عالی‌قدر و موثق، از جمله سلیم بن قیس عامری، علی بن ابراهیم قمی، سید رضی، عیاشی، کشی، شیخ صدوق، طبرسی و کلینی در کتب معتبرشان ذکر شده که با توجه به قرائن و امارات درباره صحت سند متواتر معنایی است (عاملی جبعی، ۱۴۲۱: ۲۳-۳۹؛ خواجویی، بی‌تا: ۱۸-۲۰).

۲. گروهی دیگر، الفاظ دال بر اکبریت و افضلیت قرآن را تقیه پیامبر (ص) در بعضی مکان‌های خاص بیان کرده‌اند، که دلیلی بر ذکر نشدن این الفاظ در تمام احادیث ثقلین است. تقیه یعنی پنهان کردن حق و پوشاندن اعتقاد به آن در برابر مخالفان، برای اجتناب از ضرر دینی یا دنیایی (مفید، ۱۳۷۱: ۱۳۷).

خواجویی می‌گوید ممکن است در فراگیری و رساندن حدیث به دیگران، ذکر نکردن قسمتی از حدیث به دلایل زیر باشد: ۱. غفلت و فراموشی بعضی از راویان؛ ۲. جایز بودن حذف قسمتی از حدیث هنگامی که مابقی حدیث مستقل باشد و معنای حدیث را تغییر ندهد؛ ۳. ناپدید شدن بسیاری از احادیث، برای مقابله با گروه‌ها، فرقه‌های متضاد و نفی‌کننده حق باشد (خواجویی، بی‌تا: ۱۸-۲۰).

خداوند در ادامه مأموریتی که به عهده پیامبر گذاشته می‌فرماید: «والله یَعصِمُکَ مِنَ النَّاسِ؛ خداوند تو [پیامبر] را از [خطرها] حفظ می‌کند» (المائدة: ۶۷). با توجه به این آیه،

پیامبر (ص) بدون هیچ تقيه و واهمه‌ای این پیام را در مناسبت‌های گوناگون به مردم رسانده است.

۳. گروهی دیگر بیان این روایات در کتب حدیثی (اهل سنت) را دلیلی بر صحیح نبودن احادیث می‌دانند.

خواجویی تصریح می‌کند: «وجود این احادیث در کتاب‌های مخالفان ما (اهل سنت) بزرگ‌ترین دلیل و قوی‌ترین برهان و حجت بر صحت و درستی احادیث است، که به ضرر خودشان و به نفع ما است» (خواجویی، بی‌تا: ۳۲).

### اکبریت و افضلیت قرآن بر اساس تأویل روایات

در نحوه بیان احادیث اختلاف وجود دارد، ولی با هم تضادی ندارند؛ رد کردن، کنار گذاشتن یا تأویل کردن بدون دلیل موجب سلب اعتماد از احادیث می‌شود (انصاری، ۱۴۱۹: ۱۱؛ خواجویی، بی‌تا: ۳۱).

پس در این قسمت با دو شیوه عام و خاص و مطلق و مقید می‌توان به صحت آن اطمینان پیدا کرد.

### الف. عام و خاص

«عام» عبارت است از لفظی که به مفهوم خود شامل همه مصادیق می‌شود. در مقابل، «خاص» به لفظی اطلاق می‌شود که به مفهوم خود شامل همه مصادیق نمی‌شود (سیوطی، ۱۳۸۴: ۱۴۵/۱؛ حیدری، ۱۴۱۲: ۱۳۱). بین علمای اصول مشهور است که «هیچ عامی نیست مگر آنکه تخصیص خورده باشد» (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۵: ۵۰۸/۳). لذا تخصیص زدن دلایل نقلی، بهتر از کنار گذاشتن و رها کردن آنها است (خواجویی، بی‌تا: ۲۳). گاهی در مقدمات نقلی، چند نص (عام و خاص) در یک موضوع با هم در تعارض‌اند. در چنین مواقعی یکی را که دامنه شمولش محدودتر است بر دیگری، که دامنه شمولش وسیع‌تر است، ترجیح می‌دهند و اصطلاحاً عام را با خاص تخصیص می‌زنند.

## ب. مطلق و مقید

اگر دو لفظ یکی مطلق و دیگری مقید باشد، اگر دلیلی وجود داشته باشد که آن لفظ مقید لفظ مطلق را تقید می‌زند، مطلق باید بر مقید حمل شود (سیوطی، ۱۳۸۴: ۱۸۱؛ انصاری، ۱۴۱۹: ۳۵۵/۲). در متن احادیث، باید درباره الفاظ بیان‌شده در حدیث تأمل کرد که آیا آن لفظ، مطلق است یا اینکه مقید به قیدی شده است. مثلاً اگر در متن حدیثی کلمه «افضل» آمده باشد، باید در آن تأمل شود که افضل بودن مطلق است یا مقید به قیدی شده است؛ چنان‌که در روایتی از رسول خدا (ص) آمده است:

عن زید بن ثابت قال: قال رسول الله (ص): إني تارك فيكم الثقلين كتاب الله و علي بن أبي طالب، و علي بن أبي طالب أفضل لكم من كتاب الله لأنه يُترجم لكم كتاب الله؛ من در میان شما دو امانت گران‌بها می‌گذارم: یکی کتاب خدا قرآن، و دیگری علی بن ابی‌طالب (ع). علی از کتاب خدا برتر است، چون قرآن را برای شما تفسیر می‌کند (دیلمی، ۱۳۷۱: ۳۷۸/۲؛ قیسی، بی‌تا: ۱۲۳/۵؛ بحرانی، بی‌تا: ۲۵/۱).

این روایت در ظاهر نشان می‌دهد قرآنی که در مصحف نوشته شده به خودی خود گویا نیست و به مفسری نیاز دارد که آن را تفسیر کند. پس حضرت علی (ع) که قرآن را برای شما تفسیر می‌کند، افضل از قرآن است (خواجه‌یوبی، بی‌تا: ۱۴). در این روایت، برتر بودن مطلق آورده نشده، بلکه مقید به «لکم» (برای شما) شده است، مانند کتاب طب که ما را از وجود طیب بی‌نیاز نمی‌کند. زمانی که می‌گوییم زید از تو برتر و نیکوتر است، به معنای برتری برابر با واقعیت و در قیاس با حال مخاطب است، چون حکم موجود در کلام مقید، به قید بازمی‌گردد (همان). بنابراین افضل بودن علی (ع) نسبت به قرآن اطلاق ندارد.

همچنین، روایت دیگری از زبان حضرت علی (ع) در جنگ صفین بیان شده است که گروهی به آن استناد می‌کنند و می‌گویند این حدیث، نشانه برتری و فضیلت ایشان و عترت بر قرآن است؛ حضرت علی (ع) می‌فرماید: «انا کلامُ الله الناطق؛ من کلام



سخن گوی خداوند» (کلینی، ۱۳۸۸: ۵۱۶/۱؛ فیض کاشانی، ۱۳۶۵: ۴۱۹/۱؛ حر عاملی، ۱۴۱۴: ۲۴/۱۷؛ صفار، ۱۴۰۳: ۶۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۴۶/۳۰، ۲۷۲/۳۹، ۱۹۹/۸۲ و ۱۹۹/۷۹؛ همو، ۱۳۶۳: ۲۳۳/۱۱؛ صوفی تبریزی، ۱۳۷۸: ۷۱۳، ۷۱۸، ۷۶۲ و ۸۵۰). این حدیث یعنی من مفسر قرآنم و مردم برای فهم قرآن، بیشتر از کتاب خداوند، به من نیاز دارند. در این حدیث واژه «کلام» مضاف الیه واژه دیگری است و با آن مجرور شده است. اما پس از حذف مضاف و نشستن مضاف الیه به جایش، اعراب آن را گرفته است. بنابراین، با تقدیری بودن مضاف، یا به عبارتی حذف مضاف، مشخص شد که ناطق، صفت کلام خداوند است، نه صفت علی (ع). بنابراین، روایت مذکور دالّ بر افضلیت علی (ع) نسبت به قرآن نیست (خواجویی، بی تا: ۴۶).

## اکبریت و افضلیت قرآن بر اساس جمع روایات

### الف. ناسخ و منسوخ

حدیث منسوخ (متقدّم) حدیثی است که حکمش به وسیله حکم حدیث ناسخ (متأخّر) برداشته شده باشد (عاملی جبعی، ۱۴۲۱: ۳۳؛ سیوطی، ۱۴۲۰: ۳۶۱). هر گاه دو دلیلی که هر دو از پیامبر (ص) روایت شده است با هم تعارض داشتند و تاریخ هر دو روایت مشخص باشد، روایت متأخر در اولویت قرار می گیرد. اما اگر تاریخ روایت مشخص نباشد، باید از اظهار نظر خودداری کرد؛ شاید روایت ناسخ و منسوخ باشد. اگر هر دو روایت با تاریخ مشخص و از ائمه (ع) باشد، باید به تساوی رأی دهیم و راهی برای ترجیح یکی از دو روایت نداریم، زیرا نسخ شریعت پس از پیامبر (ص) منتفی است (عاملی جبعی، ۱۴۰۸: ۱۲۷-۱۲۸؛ خواجویی، بی تا: ۱۱).

اصحاب امامیه نیز بر نسخ ناپذیری اخبار ائمه (ع) اجماع دارند. پس، باید اقوال شاذ و نادر و همچنین اخباری را که همراه با دلیل نیستند، کنار گذاشت. از دلایلی که شاید نسخ در اخبار ائمه (ع) را ضعیف و بی اعتبار می کند (عاملی جبعی، ۱۴۰۸: ۱۲۷-۱۲۸؛ خواجویی، بی تا: ۱۱) این حدیث از پیامبر (ص) است: «أَنَّ حَلَالَ مُحَمَّدٍ حَلَالَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ وَ حَرَامَهُ حَرَامٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ؛ حلال محمد، تا روز قیامت حلال است و حرام

محمد، تا روز قیامت حرام است» (صفر، ۱۴۰۳: ۱۴۸/۱؛ کلینی، ۱۳۸۷: ۹/۱، ۱۸، ۵۸ و ۱۴۷).  
اخبار ائمه دال بر افضلیت عترت، از نظر زمانی بعد از اخبار پیامبر (ص) آمده است، به همین دلیل نسخی در احادیث افضلیت قرآن صورت نگرفته است، لذا نمی‌توان وجود ناسخ یا اخبار مخالفی را برای این اخبار تصور کرد (خواجویی، بی‌تا: ۱۱). می‌توان گفت احادیث افضلیت قرآن را نه تنها نمی‌توان رد کرد، بلکه آنها بر احادیث افضلیت عترت مقدم‌اند، چون زودتر بیان شده‌اند.

### ب. قاعده اهم و مهم

اهم و مهم یا قانون اهمیت، به معنای تقدم حکم مهم‌تر در جایی است که بین دو حکم (مهم و مهم‌تر) تراحم پدید می‌آید. هر گاه به سبب قانون اهمیت، یکی از واجب‌ها بر دیگری مقدم شود، وجوب واجب دیگر، به نپرداختن مکلف به واجب اهم مشروط است. در اینجا، وجوب واجب مهم را «وجوب ترتبی» می‌نامند (صدر، ۱۴۱۸: ۲/۲۱۵؛ محمدی، ۱۳۹۷: ۳۲۲؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۸: ۵۸۴/۱؛ جمعی از محققان، ۱۳۸۹: ۶۱۲). از امام صادق (ع) نقل شده است که رسول خدا (ص) فرمود:

قال رسول الله (ص): أنا أول قادم على الله، ثم يقدم على كتاب الله، ثم يقدم على أهل بيتي، ثم يقدم على أمتي، فيقفون فيسألهم ما فعلتم في كتابي وأهل بيتي نبيكم؟ (صفر، ۱۴۰۳: ۴۱۲/۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۶۵/۷)؛ من نخستین کسی هستم که به پیشگاه خداوند حاضر می‌شوم. سپس کتاب خدا [قرآن] بر من وارد می‌شود و آنگاه اهل بیتم، و سپس اتمم بر من وارد می‌شوند. آنها می‌ایستند و خداوند از آنها می‌پرسد: با کتاب من و اهل بیت پیامبرتان چه کردید؟

این موضوع روشن‌کننده برتری و پیشی گرفتن قرآن است، چنان‌که قرآن، پیش از اهل بیت (ع) بر پیامبر (ص) وارد شده است. خداوند نیز از بندگانش می‌پرسد: پیش از آنکه کاری در حق اهل بیت پیامبر (ص) انجام دهید، رفتارتان با کتاب قرآن چگونه بوده است؟ بنابراین، باید گفت حکیم سخنش را آغاز نمی‌کند، مگر با چیزی که مهم‌تر است (خواجویی، بی‌تا: ۱۹).

بر مبنای قانون جمع بین روایات، درباره احادیث مذکور باید گفت اکبریت و فضیلت قرآن به دلیل اینکه زودتر بیان شده مهم‌تر از روایات فضیلت اهل بیت (ع) است. لذا باید آنها را مقدم داشت.

### احادیث مرسل اکبریت و فضیلت عترت

حدیثی که تابعان مستقیماً و بی‌واسطه از پیامبر (ص) نقل کنند، بدون آنکه از پیامبر شنیده باشند و نام آخرین راوی حدیث را ذکر نکنند، حدیث مرسل به معنای خاص است (مامقانی، ۱۳۸۵: ۲۵۵/۱؛ عاملی جبعی، ۱۴۲۱: ۳۵). جمع کثیری از علمای شیعه به بی‌اعتباری روایات مرسل قائل‌اند. فقیهانی همچون جعفر بن حسن حلی (محقق حلی)، حسن بن یوسف حلی (علامه حلی)، عاملی نبطی (شهید اول)، عاملی جبعی (شهید ثانی) (مامقانی، ۱۳۸۵: ۲۵۶/۱؛ خویی ربانی، ۱۳۸۹: ۶۸) از مدافعان این نظریه‌اند.

از دیدگاه خواجویی، احادیث فضیلت عترت، نه در کتب اربعه و نه در هیچ کتاب معتمد دیگری یافت نشده است و فقط شمار اندکی از اصحاب متأخر، آن هم بدون ذکر سند و فقط بر پایه شهرت و با منابع نامشخص، آنها را در کتاب‌هایشان آورده‌اند. آنها همین شهرت را حجت دانسته‌اند. مثلاً روایتی داریم که می‌گوید:

لنا مع الله حالات: هو فیها نحن، و نحن فیها هو، و لکن هو هو، و نحن نحن  
(فیض کاشانی: ۱۳۸۷: ۱۱۴؛ اصفهانی، ۱۳۸۷: ۲۹۵)؛ برای ما با خدا (در حضور  
خدا) حالاتی است که در آن حالات، او، ما می‌شود و ما، او می‌شویم؛ با وجود  
این، او، او است، و ما، ما می‌یم.

این روایات جعل صوفی‌ها، زندیق‌ها و غلات شیعه، مانند ابوالخطاب، یونس بن ظبیان، یزید بن صائغ و ... است که دسته‌ای از روایات را برای طعن در اسلام و نصرت مذهب خود وضع کرده‌اند. در کتاب درایة آمده است که حماد بن زید می‌گوید: «زندیق‌ها چهارده هزار روایت از زبان پیامبر (ص) جعل کرده‌اند» (عاملی جبعی، ۱۴۰۸: ۱۶۰/۱؛ خواجویی، بی‌تا: ۱۲).

اگر بگوییم روایات برتری عترت، بدون منبع معتبر درست است، پس باید بپذیریم که روایات برتری قرآن نیز بدون منبع معتبر درست است (خواجه‌بوی، بی‌تا: ۱۹).

### شبّهات واردشده بر اکبریت و افضلیت قرآن

**شبّه نخست:** مطابق با این روایت، پیامبر (ص) فضیلتش از همه جهان، حتی از قرآن بالاتر است: «لَوْلَا لَمَا خَلَقْتُ الْأَفْلَاكُ؛ اِذَا تَوَلَّى [پیامبر] نَبُودِي، اِفْلَاكُ [دُنْيَا] رَا خَلْقَ نَمِي كَرْدَم» (فیض کاشانی، ۱۳۸۷: ۱۱۴؛ سبزواری، ۱۳۷۶: ۲۶۹؛ کشفی ترمذی، ۱۳۸۰: ۴؛ استرآبادی، ۱۴۰۹: ۴۳۰). خداوند همه دنیا را برای وجود پیامبر (ص) خلق کرده، و چون ائمه (ع) در رده و جایگاه همسان پیامبرند، پس آنها نیز از قرآن برترند.

**پاسخ:** قرآن در ذات و صفات با افلاک متفاوت است و از حکم یادشده بیرون است. به همین دلیل قرآن جزء افلاک به شمار نمی‌آید (خواجه‌بوی، بی‌تا: ۳۳). «مَفْضَلٌ عَلَيْهِ» باید در نوع و جنس با «مَفْضَلٌ» یکی باشد (ذهنی تهرانی، ۱۳۸۳: ۷۸/۲۰). اگر فلک را کنایه از خلق عالم امکان در نظر بگیریم، با این روایت پیامبر (ص) در تعارض است (خواجه‌بوی، بی‌تا: ۳۳). در نتیجه، این مقایسه ترجیح بلامرّجّح است، به این معنا که یکی از دو امر متساوی از جمیع جهات بدون مبدأ فاعلی، بر دیگری برتری یابد (ابراهیمی دینانی، ۱۳۷۰: ۱۵۸/۱) و فیلسوفان آن را قاعده‌ای عقلی و از بدیهیات به شمار آورده‌اند (فخرالدین رازی، ۱۴۰۴: ۱۱۰/۱؛ نصیرالدین طوسی، ۱۳۵۹: ۱۱۵/۱-۱۱۶؛ صدرالدین شیرازی، ۱۳۳۷: ۲۰۲/۱-۲۰۳؛ فیض کاشانی، ۱۳۶۲: ۳۹/۱-۴۰؛ خواجه‌بوی، بی‌تا: ۳۳).

**شبّه دوم:** وجوب عمل به احکام قرآن تصدیق به اخبار آن است. لذا می‌توان گفت پیروی از قرآن به معنای برتری‌اش بر ائمه (ع) نیست (خواجه‌بوی، بی‌تا: ۳۱).

**پاسخ:** بدون شک ائمه (ع) را نیز قرآن هدایت کرده است، زیرا خداوند می‌فرماید: «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ؛ اِذَا تَوَلَّى [پیامبر] نَبُودِي، اِفْلَاكُ [دُنْيَا] رَا خَلْقَ نَمِي كَرْدَم» (اسراء: ۹). امام سجّاد (ع) می‌فرماید: «وَأَنَّ رَا نَوْرَ رَوْشَنَائِي گَرْدَانِيدِي، كِه مَا بَا پیروی از آن، از تاریکی‌های گمراهی (شُرک، کفر، شک و نفاق) و نادانی (معاصی و شبّهات) راه می‌یابیم» (نصری، ۱۴۱۹: ۱۴۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۳/۱۹). حضرت علی

(ع) می‌فرماید: «او آمد (و محتوای رسالت پیامبر (ص) برای مردم) تصدیق کتاب‌های آسمانی پیشین بود. همچنین، برای آنها نوری آورد که به آن اقتدا کنند. این نور همان قرآن است؛ آن را به سخن آورید» (شریف رضی، ۱۳۷۹: ۲۲۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۳/۸۹). بنابراین، می‌توان گفت هدایت‌کننده و پیروی‌شده (قرآن)، منزلت والاتر و جایگاه بزرگ‌تری نسبت به هدایت‌شونده و پیروی‌کننده (عترت) دارد (خواجویی، بی‌تا: ۳۸).

**شبهه سوم:** پیامبر (ص) از روی ادب، کتاب را به خداوند، و عترت را به خود نسبت داد و از کتاب به «اکبر» (بزرگ)، و از عترت به «اصغر» (کوچک) نام برد (خواجویی، بی‌تا: ۳۸).

**پاسخ:** پیامبر (ص) مبلّغ وحی پروردگار است، و جز حق از او صادر نمی‌شود. خداوند می‌فرماید: «ما يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ \* إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ» (نجم: ۳-۴). گفتار پیامبر (ص) چیزی جز وحی نیست که به او نازل می‌شود. آنچه پیامبر (ص) بیان می‌کند مطابق با وحی است.

**شبهه چهارم:** قرآن جوهر قائم به ذات نیست، بلکه عرض قائم به غیر است؛ یعنی در جایگاه‌های گوناگون، به صورت‌های مختلف تجلی پیدا می‌کند و هر جایگاهی که شرف و حرمت بیشتری داشته باشد، حرمت و فضیلتش را بیشتر می‌کند. برای همین، حرمت قلب مؤمنانی که به امور و احوال قرآن عالم‌اند، از کاغذها و الواح بیشتر است.

**پاسخ:** منزلت قرآن در جایگاهی که قرار می‌گیرد، بیشتر نمی‌شود، بلکه قرآن با جاگرفتن در قلب مؤمن حرمت و فضیلت او را بیشتر می‌کند، همان‌گونه که به کاغذها حرمت می‌بخشد و نباید به کاغذهایش نیز بی‌احترامی کرد (خواجویی، بی‌تا: ۵۰).

## نتیجه

قرآن برترین و آخرین پیام خدا و بزرگ‌ترین گوهر گران‌بهای به‌جای مانده از پیامبر اسلام (ص) و سرچشمه جوشان معارف اسلامی و اقیانوس بیکران حقایق است. خواجویی بر اساس احادیثی که در آنها قرآن افضل و اکبر است، افضلیت و اکبریت

قرآن را با احادیث و دلایل اصولی، قرآنی، و فلسفی اثبات کرده است. او معتقد است فضیلت و برتری قرآن بالاتر از همه عوالم است. پیامبر (ص) می‌فرماید: «القرآن أفضل من كل شيء دون الله؛ قرآن از هر چیزی به غیر از خداوند بالاتر است» (شعیری، بی‌تا: ۴۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۹/۸۹).

حجیت بیان، گفتار، و عمل ائمه (ع)، که مفسران قرآن‌اند، از قرآن سرچشمه گرفته است. همچنین، آنها در دستورهایشان مردم را به پیروی از قرآن فرا می‌خوانند. امام علی (ع) می‌فرماید: «او آمد، نوری آورد که به آن اقتدا کنند، این نور همان قرآن است؛ آن را به سخن آورید» (شریف رضی، ۱۳۷۹: ۲۲۳؛ مجلسی ۱۴۰۳: ۲۳). لذا می‌توان نتیجه گرفت که هدایت‌کننده و پیروی‌شده دارای منزلت والاتر و بزرگ‌تری از هدایت‌شونده و پیروی‌کننده است. بنابراین، احادیث فراوانی که بر «ثقل اکبر» بودن قرآن دلالت دارند متواتر معنوی‌اند.

مشکل اصلی مسلمانان جهان اسلام بی‌توجهی یا کم‌توجهی به متن قرآن است. آنها از هر حدیثی، حتی اگر مطابق با قرآن نباشد، برای رسیدن به مقاصدشان استفاده می‌کنند. احادیث نادرست همیشه در طول دوران‌های مختلف ضربه‌های فراوانی به تفاسیر قرآنی، و در نتیجه فرهنگ جوامع، زده است. از طرف دیگر، تطبیق‌ندادن مفاهیم قرآنی با علم روز و توجه بیش از حد به بیان الفاظ و نحوه تلاوت، باعث نفهمیدن و نرسیدن به هدف اصلی خداوند از نزول قرآن شده است.

این مقاله می‌تواند نگاه ما را به قرآن به عنوان کتاب هدایت و منبع بزرگ و برتر، برای رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی تغییر دهد.

## منابع

- قرآن کریم (۱۳۸۷). ترجمه: ابوالفضل بهرام پور، تهران: آوای قرآن.
- ابراهیمی دینانی، غلام حسین (۱۳۷۰). قواعد کلی فلسفی در فلسفه اسلامی، تهران: پژوهشگاه علوم اسلامی و مطالعات فرهنگی.
- ابن بطریق، یحیی بن الحسن (۱۴۰۷). عمدة عیون صحاح الأخبار فی مناقب الإمام الأبرار، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- ابن حنبل، احمد بن محمد (۱۴۲۰). مسند، بیروت: مؤسسه الرسالة.
- استرآبادی، علی (۱۴۰۹). تأویل الآيات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة، محقق و مصحح: حسین ولی، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- اصفهانى، محمدتقى (۱۳۸۷). مکیال المکارم، ترجمه: مهدی حائری قزوینی، قم: مسجد مقدس جمکران.
- انصاری، مرتضی (۱۴۱۹). فرائد الاصول، قم: مجمع الفکر الاسلامی.
- بحرانی، هاشم بن سلیمان (بی تا). البرهان فی تفسیر القرآن، محقق: واحد تحقیقات اسلامی بنیاد بعثت، قم: قسم الدراسات الإسلامية مؤسسه البعثة.
- بیدآبادی، یحیی محمد شفیع (۱۴۲۱). روح الاسلام والایمان فی معرفة الامام (ع) و تفضیله علی القرآن، نسخه ۷۴۵۰، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- ترمذی، محمد بن عیسی (۱۴۲۱). سنن، بیروت: دار الفکر.
- جمعی از محققان (۱۳۸۹). فرهنگ نامه اصول فقه، قم، باقری.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴). تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، محقق: محمدرضا حسینی جلالی، قم: مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث.
- حیدری، سید علی نقی (۱۴۱۲). اصول استنباط فی اصول الفقه و تاریخه بالاسلوب الجدید، قم: لجنة ادارة الحوزة العلمية.
- خواجویی، ملا اسماعیل بن محمد (بی تا). تبصرة الإخوان فی بیان اکبرية القرآن، نسخه ۳۰۲۳، قم: کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی.
- خویی ربانی، محمد حسن (۱۳۸۹). بررسی اعتبار احادیث مرسل، قم: بوستان کتاب.
- دیلمی، حسن بن محمد (۱۳۷۱). ارشاد القلوب، قم: الشریف الرضی.

- ذهنی تهرانی، محمدجواد (۱۳۸۳). *المباحث الفقهية فی شرح الروضة البهية*، قم: وجدانی.
- سبزواری، هادی بن مهدی (۱۳۷۶). *رسائل*، مصحح: جلال‌الدین آشتیانی، تهران: اسوه.
- سیوطی، جلال‌الدین (۱۳۸۴). *الاتقان فی علوم القرآن*، قم: دانشکده اصول‌الدین.
- سیوطی، جلال‌الدین (۱۴۲۰). *تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی*، بیروت: دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع.
- شریف رضی، ابوالحسن محمد (۱۳۷۹). *نهج‌البلاغه*، ترجمه: محمد دشتی، ثم: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین (ع).
- شعیری، محمد بن محمد (بی‌تا). *جامع الأخبار*، نجف: المطبعة الحیدریة.
- شوشتری، نورالله بن شرف‌الدین (۱۴۰۹). *احقاق الحق وازهاق الباطل*، قم: کتاب‌خانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- صدر، سید محمد باقر (۱۴۱۸). *دروس فی علم الأصول*، قم: مؤسسه النشر الإسلامیة.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۳۷). *الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- صدوق، محمد بن علی (۱۳۹۵). *اکمال‌الدین*، تهران: دار‌الکتب الإسلامیة.
- صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۶). *اکمال‌الدین*، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- صدوق، محمد بن علی (۱۳۷۸). *عیون اخبار الرضا (ع)*، محقق: مهدی لاجوردی، تهران: جهان.
- صفار، محمد بن الحسن (۱۴۰۳). *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد (ص)*، بیروت: مکتبه آیه‌الله المرعشی‌النجفی.
- صفار، محمد بن الحسن (۱۴۰۴). *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد*، قم: مکتبه آیه‌الله العظمی المرعشی‌النجفی.
- صوفی تبریزی، عبدالباقی (۱۳۷۸). *منهاج‌الولاية فی شرح نهج‌البلاغه*، تهران: دفتر نشر میراث مکتوب؛ آینه میراث.
- عاملی جبعی (شهید ثانی)، زین‌العابدین بن علی (۱۴۰۸). *الرعاية فی علم‌الدراية*، قم: کتاب‌خانه آیت‌الله مرعشی‌النجفی.
- عاملی جبعی (شهید ثانی)، زین‌العابدین بن علی (۱۴۲۱). *البداية فی علم‌الدراية*، تحقیق: سید



بررسی دیدگاه مؤلف تبصرة الإخوان در بیان اکبریت قرآن / ۲۲۵

محمدرضا حسینی جلالی، قم: محلاتی.

فاضل لنکرانی، محمد (۱۳۸۵). تعلیقة كفاية الاصول، قم: نوح.

فخر الدین رازی، محمد بن عمر (۱۴۰۴). محصل افكار المتقدمین والمتأخرین من العلماء والحکماء والمتکلمین، بیروت: طه عبد الرؤوف سعد.

فیض کاشانی، ملامحسن (۱۳۶۲). اصول المعارف، تصحیح: جلال الدین آشتیانی، قم، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.

فیض کاشانی، ملامحسن (۱۳۶۵). الوافی، اصفهان: مکتبه امیر المؤمنین (ع).

فیض کاشانی، ملامحسن (۱۳۸۷). قرة العیون فی أعز الفنون، محقق: حسن اشرف قاسمی، تهران: مدرسه عالی شهید مطهری.

قیسی، محمدحسن (بی تا). البیان الصافی لكلام الله الوافی، بیروت: مؤسسة البلاغ.

قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳). تفسیر قمی، قم: دار الکتب.

کشفی ترمذی، محمد صالح بن عبدالله (۱۳۸۰). مناقب مرتضوی شاه اولیاء امیر المؤمنین علی مرتضی، مصحح: کورش منصوری، تهران: روزنه.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۷). الکافی، قم: دار الحدیث.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۸). الذریعة الی حافظ الشریعة، شارح: محمد بن محمد مؤمن جیلانی، محقق: محمدحسین درایتی، قم: دار الحدیث.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). الکافی، تهران: دار الکتب.

مامقانی، عبدالله (۱۳۸۵). مقباس الهدایة، قم: دلیل ما.

مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۳). مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول، مصحح: هاشم رسولی، تهران: دار الکتب الإسلامية.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). بحار الأنوار، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

محمدی، ابوالحسن (۱۳۹۷). مبانی استنباط حقوق اسلامی یا اصول فقه، تهران: دانشگاه تهران.

مفید، محمد بن محمد (۱۳۷۱). تصحیح الاعتقادات، محقق: حسین درگاهی، قم: المؤتمر العالمی لالفیة الشیخ المفید.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۸). أنوار الأصول، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع).

۲۲۶ / پژوهش‌نامه امامیه، سال هشتم، شماره پانزدهم

نصری، نعمان (۱۴۱۹). *الصحيفة السجادية*، قم: مشعر.

نصیرالدین طوسی، محمد بن محمد (۱۳۵۹). *تلخیص المحصل*، تصحیح: عبدالله نورانی، تهران: دانشگاه تهران و مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مکیل.

نیشابوری، مسلم بن حجاج (۱۴۱۹). *صحیح*، بیروت: دار ابن حزم.

هلالی، سلیم بن قیس (۱۴۰۷). *کتاب سلیم بن قیس الهلالی*، محقق و مصحح: علاءالدین موسوی، تهران: قسم الدراسات الاسلامیة، مؤسسة البعثة.

## References

- The Holy Quran. 2008. Translated by Abolfazl Bahrapur, Tehran: Sound of the Quran. [in Farsi]
- A Group of Researchers. 2010. *Farhangnameh Osul Feghh (Dictionary of the Principles of Jurisprudence)*, Qom: Bagheri.
- Aameli Jobai (Shahid Thani), Zayn al-Abedin ibn Ali. 1988. *Al-Reayah fi Elm al-Derayah (Hadith Terminology)*, Qom: Ayatollah Marashi Najafi Library. [in Arabic]
- Aameli Jobai (Shahid Thani), Zayn al-Abedin ibn Ali. 2001. *Al-Bedayah fi Elm al-Derayah (Introduction to the Science of Hadith Terminology)*, Researched by Seyyed Mohammad Reza Hosayni Jalali, Qom: Mahallati. [in Arabic]
- Ansari, Morteza. 1999. *Faraed al-Osul*, Qom: Islamic Thought Association. [in Arabic]
- Bahrani, Hashem ibn Solayman. n.d. *Al-Borhan fi Tafsir al-Quran (Argument in the Interpretation of the Quran)*, Researcher: Islamic Research Unit of the Bethah Foundation, Qom: Islamic Studies Department of the Bethah Foundation. [in Arabic]
- Bidabadi, Yahya Mohammad Shafi. 2001. *Ruh al-Islam wa al-Iman fi Marefah al-Imam (AS) wa Tafzileh ala al-Quran (The Spirit of Islam and Faith in the Recognition of the Imam (AS) and His Superiority over the Quran)*, Version 7450, Qom: Library of Ayatollah Marashi Najafi. [in Arabic]
- Deylami, Hasan ibn Mohammad. 1992. *Ershad al-Gholub (Guidance of Hearts)*, Qom: Sharif Razi. [in Arabic]
- Estar Abadi, Ali. 1989. *Tawil al-Ayat al-Zahereh fi Fazaal al-Etrah al-Taherah (Interpretation of the Verses Indicating the Virtues of the Pure Family)*, Researched & Edited by Hosayn Wali, Qom: Islamic Publishing Foundation. [in Arabic]
- Fakhr al-Din Razi, Mohammad ibn Omar. 1984. *Mohassal Afkar al-Motaghaddemin wa al-Motaakhkherin men al-Olama wa al-Hokama wa al-Motakallemin (Summary of the Ideas of the Earlier and Later Scholars, Philosophers and Theologians)*, Beirut: Taha Abd al-Rauf Sad. [in Arabic]
- Fazel Lankarani, Mohammad. 2006. *Talighah Kefayah al-Osul*, Qom: Nuh. [in Arabic]

- Feyz Kashani, Molla Mohsen. 1983. *Osul al-Maaref (Foundations of Knowledge)*, Edited by Jalal al-Din Ashtiyani, Qom: Islamic Propaganda Organization Publishing Center. [in Arabic]
- Feyz Kashani, Molla Mohsen. 1986. *Al-Wafi*, Isfahan: Commander of the Faithful (AS) Library. [in Arabic]
- Feyz Kashani, Molla Mohsen. 2008. *Ghorrah al-Oyun fi Aaz al-Fonun (Bright Eyes in the Best Techniques)*, Researched by Hasan Ashraf Ghasemi, Tehran: Shahid Motahari High School. [in Arabic]
- Ghobaysi, Mohammad Hasan. n.d. *Al-Bayan al-Safi le Kalam Allah al-Wafi (Clear Statement of the Adequate Words of God)*, Beirut: Al-Balagh Institute. [in Arabic]
- Helali, Solaym ibn Ghays. 1987. *Ketab Solaym ibn Ghays (The Book of Solaym ibn Qays)*, Researched & Edited by Ala al-Din Musawi, Tehran: Department of Islamic Studies, al-Bethah Institute. [in Arabic]
- Heydari, Seyyed Ali Naghi. 1992. *Osul Estenbat fi Osul al-Feghh wa Tarikheh be al-Oshub al-Jadid (Principles of Inference in Jurisprudence and History with a New Style)*, Qom: Seminary Management Committee. [in Arabic]
- Horr Aameli, Mohammad ibn al-Hasan. 1994. *Tafsil Wasael al-Shiah ela Tahsil Masael al-Shariah (The Means of the Shiites to Achieve the Issues of Sharia)*, Researched by Mohammad Reza Hosayni Jalali, Qom: Al al-Bayt Foundation for the Revival of Heritage. [in Arabic]
- Ibn Betrigh, Yahya ibn al-Hasan. 1987. *Omdah Oyun Sehad al-Akhbar fi Managheb al-Imam al-Abrar (Main Authentic Narrations on the Virtues of the Imam of the Righteous)*, Qom: Islamic Publishing Foundation. [in Arabic]
- Ibn Hanbal, Ahmad ibn Mohammad. 2000. *Mosnad*, Beirut: Al-Resalah Institute. [in Arabic]
- Ibrahimi Dinani, Gholam Hosayn. 1991. *Ghawaed Kolli Falsafi dar Falsafeh Islami (General Philosophical Rules in Islamic Philosophy)*, Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies. [in Farsi]
- Isfahani, Mohammad Taghi. 2008. *Mekyal al-Makarem*, Translated by Mahdi Haeri Ghazwini, Qom: Holy Mosque of Jamkaran. [in Farsi]
- Kashfi Termezi, Mohammad Saleh ibn Abdollah. 2001. *Managheb Mortazawi Shah Awliya Amir al-Momenin Ali Mortaza (Virtues of the Commander of the Faithful Ali Mortaza)*, Edited by Kurosh Mansuri, Tehran: Rozaneh. [in Farsi]

- Khajui, Molla Ismail ibn Mohammad. n.d. *Tabserah al-Ekhwan fi Bayan Akbariyah al-Quran (The Brotherhood's Insight into the Greatness of the Quran)*, Version 3023, Qom: Library of Grand Ayatollah Marashi Najafi. [in Arabic]
- Khoi Rabbani, Mohammad Hasan. 2010. *Barresi Etebar Ahadith Morsal (Reviewing the Validity of Disconnected Narrations)*, Qom: Book Garden. [in Farsi]
- Kolayni, Mohammad ibn Yaghub. 1987. *Al-Kafi*, Tehran: House of Books. [in Arabic]
- Kolayni, Mohammad ibn Yaghub. 2008. *Al-Kafi*, Qom: House of Narration. [in Arabic]
- Kolayni, Mohammad ibn Yaghub. 2009. *Al-Zariah ela Hafez al-Shariah*, Described by Mohammad ibn Mohammad Momen Jilani, Researched by Mohammad Hosayn Derayati, Qom: House of Narration. [in Arabic]
- Majlesi, Mohammad Bagher. 1983. *Behar al-Anwar (Seas of Lights)*, Beirut: Arab Heritage Revival House. [in Arabic]
- Majlesi, Mohammad Bagher. 1984. *Merat al-Oghul fi Sharh Akhbar Al al-Rasul (Mirror of Intellects in the Explanation of the Narrations of the Prophet's Family)*, Edited by Hashem Rasuli, Tehran: Islamic Book Institute. [in Arabic]
- Makarem Shirazi, Naser. 2007. *Anwar al-Osul (Lights of Principles)*, Qom: School of Imam Ali Ibn Abi Talib (AS). [in Arabic]
- Mamaghani, Abdollah. 2006. *Meghbas al-Hedayah*, Qom: Dalil Ma. [in Arabic]
- Mofid, Mohammad ibn Mohammad. 1992. *Tashih al-Eteghadat (Revision of Beliefs)*, Researched by Hosayn Dargahi, Qom: The World Conference on the Millennium Sheikh Al-Mufid. [in Arabic]
- Mohammadi, Abu al-Hasan. 2018. *Mabani Estenbat Hoghugh Islami ya Osul Feghh (Fundamentals of Inference of Islamic Law or Principles of Jurisprudence)*, Tehran: University of Tehran. [in Farsi]
- Nasir al-Din Tusi, Mohammad ibn Mohammad. 1980. *Talkhis al-Mohassal*, Edited by Abdollah Nurani, Tehran: University of Tehran & Institute of Islamic Studies, McGill University. [in Arabic]
- Nasri, Noman. 1999. *Al-Sahifah al-Sajjadiyah*, Qom: Mosher. [in Arabic]
- Neyshaburi, Moslem ibn Hajjaj. 1999. *Sahih*, Beirut: Ibn Hazm Institute. [in Arabic]
- Qomi, Ali ibn Ibrahim. 1984. *Tafsir Qomi*, Qom: House of Book. [in Arabic]

- Sabzewari, Hadi ibn Mahdi. 1997. *Rasael (Treatises)*, Edited by Jalal al-Din Ashtiyani, Tehran: Osweh. [in Arabic]
- Sadr al-Din Shirazi, Mohammad ibn Ibrahim. 1919. *Al-Hekmah al-Motealiyah fi al-Asfar al-Aghliyah al-Arbaah (Transcendent Wisdom in the Four Intellectual Journeys)*, Beirut: Arab Heritage Revival House. [in Arabic]
- Sadr, Sayyed Mohammad Bagher. 1998. *Dorus fi Elm al-Osul (Lessons in the Science of the Principles of Jurisprudence)*, Qom: Islamic Publishing Foundation. [in Arabic]
- Sadugh, Mohammad ibn Ali. 1996. *Kamal al-Din (Completion of the Religion)*, Qom: Islamic Publishing Foundation. [in Arabic]
- Sadugh, Mohammad ibn Ali. 1999. *Oyun Akhbar al-Reza (AS) (Selected Words of Imam Reza (AS))*, Researched by Mahdi Lajewardi, Tehran: Jahan. [in Arabic]
- Sadugh, Mohammad ibn Ali. 2016. *Kamal al-Din (Completion of the Religion)*, Tehran: Islamic Books House. [in Arabic]
- Saffar, Mohammad ibn al-Hasan. 1983. *Basaer al-Darajat fi Fazael Al Mohammad (S) (Insights Degrees in the Virtues of the Family of Mohammad (S))*, Beirut: Ayatollah Marashi Najafi Library. [in Arabic]
- Saffar, Mohammad ibn al-Hasan. 1984. *Basaer al-Darajat fi Fazael Al Mohammad (S) (Insights Degrees in the Virtues of the Family of Mohammad (S))*, Qom: Ayatollah Marashi Najafi Library. [in Arabic]
- Shairi, Mohammad ibn Mohammad. n.d. *Jame al-Akhbar (Corpus of Narrations)*, Najaf: Heydariyah Press. [in Arabic]
- Sharif Razi, Abu al-Hasan Mohammad. 2000. *Nahj al-Balaghah*, Translated by Mohammad Dashti, Qom: Commander of the Faithful Cultural and Research Institute (AS).
- Shushtari, Nurollah ibn Sharaf al-Din. 1989. *Ehghagh al-Hagh wa Ezhagh al-Batel (Realizing the Truth and Eliminating Falsehood)*, Qom: Ayatollah Marashi Najafi Library. [in Arabic]
- Siyuti, Jalal al-Din. 2000. *Tadrib al-Rawi fi Sharh Taghrib al-Nawawi*, Beirut: House of Thought for Printing, Publishing and Distribution. [in Arabic]
- Siyuti, Jalal al-Din. 2005. *Al-Etghan fi Olum al-Quran (Mastery in the Sciences of the Quran)*, Qom: Faculty of Principles of Religion. [in Arabic]

بررسی دیدگاه مؤلف تبصرة الإخوان در بیان اکبریت قرآن / ۲۳۱

Sufi Tabrizi, Abd al-Baghi. 1999. *Menhaj al-Welayah fi Sharh Nahj al-Balaghah*, Tehran: Written Heritage Publishing Office, Heritage Mirror. [in Arabic]

Termezi, Mohammad ibn Isa. 2001. *Sonan*, Beirut: Thought House. [in Arabic]

Zehni Tehrani, Mohammad Jawad. 2004. *Al-Mabaheth al-Feghhiyah fi Sharh al-Rawzah al-Bahiyah*, Qom: Wojdani. [in Arabic]

